

شناسایی و تحلیل متغیرهای سبک زندگی مؤثر در حجاب و پوشش زنان براساس قرآن و حدیث

رضا آقاپورا^۱، علی اکبر ربیع نتاج^۲، محسن موسوی^۳

چکیده

سبک زندگی اسلامی در قرآن و حدیث متغیرهایی دارد که آشنایی با آنها برای جهت استحکام خانواده ضرورت دارد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل متغیرهای سبک زندگی مؤثر در حجاب و پوشش اسلامی زنان به روش ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شد. داده‌های کیفی براساس متغیرها و پیشران‌های تأثیرگذار و با استفاده از پرسش‌نامه پاسخ‌باز و مصاحبه جمع‌آوری شد و داده‌های کمی به صورت عددی و با وزن دهی پرسش‌نامه‌های دلفی به دست آمد. پس از جمع‌آوری داده‌های کیفی و شناسایی متغیرها در چارچوب مدل دلفی، تعداد ۱۰ پرسش‌نامه تهیه و بین خبرگان علوم قرآنی توزیع و اطلاعات کمی جمع‌آوری گردید. تحلیل ساختاری داده‌ها با استفاده از نرم افزار میک‌مک انجام شد. نتایج نشان داد که متغیرهای ازدواج ساده و پایدار، پذیرش عرف مطابق با شرع، اعتقاد به اصل تسکین، اعتقاد به اصل مودت، الگوسازی از شخصیت‌های نمونه اسلام، امنیت و مصونیت، خانواده مستحکم و سالم، توحیدمحوری و اعتقادات دینی از مهمترین متغیرهای سبک زندگی اسلامی مؤثر بر حجاب زنان است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، زنان، حجاب، پوشش زنان، قرآن و حدیث.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۷/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۶
۱. استادیار علوم قرآن و حدیث، عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
(نویسنده مسئول)

Email: R.Aghapour@umz.ac.ir

۲. استاد علوم قرآن و حدیث، عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

Email: sm.rabinataj@gmail.com

۳. استادیار علوم قرآن و حدیث، عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

Email: sm.musavi55@yahoo.com

Identifying and Analyzing the Effective Variables of Lifestyle in Women's Hijab and Cover Based on Quran and Hadiths

Reza Aghapour¹, Ali Akbar Rabi Nataj², Seyed Mohsen Mousavi³

In Quran and Hadiths, Islamic lifestyle has variables that being familiar with them is essential for family stability. The present study was conducted with the purpose of identifying and analyzing the effective variables of lifestyle in women's Islamic Hijab and cover using the mixed (quantitative and qualitative) methodology. The qualitative data were collected on the basis of effective variables and drivers by open-ended questionnaires and interviews. The quantitative data were obtained in the form of numbers using weighing the Delphi questionnaires. After collecting the qualitative data and identifying the variables according to the Delphi Model, 10 questionnaires were provided and distributed among the experts of Quranic sciences. Then the quantitative data were gathered and structurally analyzed by the MICMAC software. The results demonstrated that the most effective variables of Islamic lifestyle in women's Hijab are as follows: simple and stable marriage, the acceptance of custom in accordance with Sharia, the belief in the principle of relief, the belief in the principle of friendship, the modeling of exemplary personalities of Islam, security and immunity, stable and healthy family, monotheism, and religious beliefs.

Keywords: lifestyle, women, Hijab, women's cover, Quran and Hadiths.

Paper Type: Research

Data Received: 2019 / 12 / 05 **Data Revised:** 2020 / 09 / 26 **Data Accepted:** 2020 / 10 / 27

1. Assistant Professor of the Sciences of Quran and Hadith, Faculty Member of University of Mazandaran, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, Babolsar, Iran. (Corresponding Author)

Email: r.aghapour@umz.ac.ir

2. Professor of the Sciences of Quran and Hadith, Faculty Member of University of Mazandaran, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, Babolsar, Iran.

Email: sm.rabinataj@gmail.com

3. Assistant Professor of the Sciences of Quran and Hadith, Faculty Member of University of Mazandaran, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, Babolsar, Iran.

Email: sm.musavi55@yahoo.com

امروزه سبک‌های زندگی نوین که با رسانه‌های جدید در تمام جهان تبلیغ می‌شوند با سبک‌های سنتی زندگی در تعارض است. این چالش‌ها در جوامع اسلامی بیشتر بررسی می‌شود؛ زیرا فرهنگ اسلامی، آداب خاصی را خواستار است و همچنین فرهنگ ملی نیز با سبک‌های نوین زندگی که با تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی تبلیغ می‌شود، مغایرت دارد. زنان و دختران جوامع اسلامی که از مصرف‌کنندگان اصلی سبک‌های نوین محسوب می‌شوند از این قاعده جدا نیستند. یکی از مهمترین نمادهای سبک زندگی ملی و دینی، داشتن پوشش و حجاب اسلامی است که با پیروی از سبک‌های زندگی جدید در میان برخی از زنان کشورهای مسلمان رعایت نمی‌شود. (احمدی، عدلی‌پور و میرمحمد تبار دیوکلا، ۱۳۹۳) دغدغه اصلی و رسالت عمده قرآن کریم رسالت و تحول اخلاقی انسان است و تحقق چنین رسالتی در گرو پایبندی به نوع خاصی از سبک زندگی است. به دلیل چنین رسالتی برخی از محققان و اندیشمندان قرآنی، دین را روش و برنامه زندگی تعریف کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۳/۸، ۲۹۹).

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی شامل تمام اموری است که انسان در راه رسیدن به کمال و سعادت به آن نیاز دارد. براساس آیات قرآن، پیروی مسلمانان از او امر و نواهی پیامبر ﷺ برای قرارگرفتن در مسیر رشد و کمال امری ضروری است: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر: ۷). بنابراین، فرد مسلمان با عمل به گفتار پیامبر ﷺ در حدیث تقلید که مصداقی از آیه مذکور است، می‌تواند این اطمینان را پیدا کند که در مسیر درست زندگی و یا به تعبیر قرآن در صراط مستقیم قرار گرفته است. سیره عملی معصومین علیهم السلام نیز که خود مصداق روشنی از عمل به تعالیم قرآن است بعد از قرآن، مهمترین مرجعی است که می‌توان سبک زندگی خود را برپایه آموزه‌های آن بنا نهاد. در نهایت، تمام آنچه در قالب آیات قرآن، روایات و سیره ائمه معصومین علیهم السلام به بشر رسیده است برای تحقق هدف غایی آفرینش انسان یعنی، عبادت و بندگی خداوند رحمان است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶).

در طرح نظری سبک زندگی، این مشکل وجود دارد که راهیابی به عمق سبک زندگی قرآنی بسیار مشکل است. از این رو، روش‌های توصیف و تبیین سبک‌های قرآنی زندگی را





به‌سختی می‌توان یافت؛ زیرا این روش‌ها باید تفاوت‌ها را در ارزش‌ها، عوامل زمینه‌ای و نظام معنایی (جهان‌بینی) جامعه و گروه‌های اجتماعی و اولویت‌هایی که برای هریک قائل هستند، انعکاس دهد. همچنین تفاوت‌ها را باید در دیدگاه‌ها و تفسیرهایی که از سبک زندگی قرآنی ارائه می‌شود، نشان دهد. نکته دوم اینکه قرآن درباره زندگی، آموزه‌های کلی را بیان کرده است. اجرای این تعالیم کلی در شرایط زیست‌محیطی و فرهنگی مختلف متفاوت است مانند پوشش زنان مسلمان (حجاب) که در فرهنگ‌ها و محیط‌های مختلف، سبک‌های متفاوتی دارد (کافی، ۱۳۹۷). باید گفت که با تلقی سبک زندگی به‌عنوان مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضعیت‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات، ترجیحات یا سلیقه و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند، شبکه معنایی و عقلانیت اسلامی به تمام عرصه‌های حیات و به‌ویژه متن زندگی روزمره از پوشش و آرایش تا فراغت و لذت و مصرف، قابل تسری است (باقری، ۱۳۹۴). زن نقش‌های بزرگی در اجتماع دارد که در رأس آنها رعایت حریم عفاف و حفظ حجاب است. اگر این نقش در جامعه به خوبی ایفا شود، هویت جامعه حفظ می‌شود. از این رو، حجاب و رعایت حریم عفاف برای زنان در جامعه اسلامی امری منطقی و ضروری است؛ زیرا تنها در این صورت است که زنان شخصیت واقعی خود را بازیافته و نقش و تأثیر اجتماعی خود را به خوبی ایفا می‌کنند (مطهری، ۱۳۸۳، ۵۶۴/۱۹). بنابراین، بررسی متغیرهای سبک زندگی قرآنی درباره حجاب و پوشش زنان بر اساس نظرات خبرگان علوم قرآن و حدیث، افقی فراروی انسان می‌گشاید تا بر اساس آن به بینش جدید و راه‌گشایی در حوزه سبک زندگی قرآنی برسد.

درباره سبک زندگی، حجاب و پوشش، تاکنون پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. حیدری چناری و سیاوشی (۱۳۹۵) در تحقیق خود با بررسی آیات قرآنی و احادیث درباره حجاب و نقش آن در سبک زندگی اسلامی به این نتیجه رسیدند که حجاب، بازتاب و آثار مهمی در جنبه‌های روانی-فردی، خانوادگی و اجتماعی ایفا می‌کند. باقری (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان داد که بین دین‌داری و معیارهای سبک زندگی، رابطه معناداری وجود دارد و برای ارتباط بین این دو مقوله باید به مدل‌های بومی و ایرانی توجه شود. همچنین احمدی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق خود نشان دادند که میزان گرایش به حجاب در دختران و زنان

با سبک زندگی سنتی درحد بالا و در افراد با سبک زندگی مدرن، درحد پایین و در افراد با سبک زندگی تلفیقی، درحد متوسط بوده است. خوش فر، باقری، برزگر و نورمحمدی (۱۳۹۴) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که عوامل فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، فردی و اقتصادی، به ترتیب اهمیت، رابطه معنی دار مثبت و متغیرهای زمینه‌ای سن، درآمد، صداقت و مصرف رسانه‌ای، به ترتیب اهمیت، رابطه معنی دار با گرایش به حجاب دارند. خواجه نوری، روحانی و هاشمی (۱۳۹۱) نیز در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که میان هویت و سبک زندگی مذهبی با گرایش به حجاب، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین متغیرهایی مانند تصور از بدن، فناوری ارتباطی و سبک مشارکتی و فراغتی جدید، رابطه منفی با گرایش به حجاب دارند. حمیدی و فرجی (۱۳۸۷) در تحقیقی نشان دادند که در ایران به دلیل رواج اعتقادهای دینی و وجود دستور حجاب به عنوان الزامی در پوشش زنانه، دو مفهوم پوشش و حجاب تاحدی در هم گره خورده‌اند و با هم ادغام شده‌اند. همچنین برای پرداختن به سبک زندگی زنانه حول محور پوشش، توجه به مفهوم دینی حجاب راهم باید در نظر گرفت. علوی و حجتی (۱۳۸۶) در مطالعه خود بیان کردند که وضعیت اعتقادی دانشجویان دختر، اهمیت دادن به مدگرایی، نگرش‌های سیاسی، وضعیت اعتقادی والدین و... در بدحجابی دانشجویان دختر نقش داشته است. کیلیک بای و بینارک (۲۰۰۲) نیز در تحقیقی، رابطه حجاب را به مقوله‌هایی مانند وفاداری به اصل اسلامی پوشش بدن زنان و نماد اسلام سیاسی ثابت کردند.

پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که همواره بین سبک زندگی و حجاب و پوشش زنان، رابطه و پیوندی عمیق وجود دارد، اما تاکنون تحقیقی که بتواند با استخراج متغیرهایی از قرآن و حدیث در حوزه سبک زندگی و نظرات خبرگان، میزان تأثیرگذاری آن متغیرها در حجاب و پوشش را بررسی کند، صورت نگرفته است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، پاسخ به این سؤال است که متغیرهای سبک زندگی بر مبنای قرآن و حدیث که در حجاب و پوشش زنان مؤثر باشند، کدامند و میزان اثرگذاری و اثرپذیری آنها چگونه است؟

۲. چارچوب نظری پژوهش

مفهوم سبک زندگی در اوایل قرن بیستم میلادی وارد ادبیات علوم اجتماعی شد. این





مفهوم به طور خاص در ادبیات جامعه‌شناسی آمریکا با کتاب طبقه مرفه اثر تورستین بونده وبلن، وارد این حوزه شد. (جیمز ویلیام، ۱۳۵۶) معادل انگلیسی اصطلاح سبک زندگی در ابتدا style of living و style of life و life بود. امروزه بیشتر از اصطلاح lifestyle استفاده می‌شود که آن را شیوه زندگی و برخی نیز اسلوب زندگی ترجمه کرده‌اند (میرساردو، ۱۳۷۹). در تعریف اصطلاحی سبک زندگی، تعاریف گوناگونی به چشم می‌خورد. سوبل که شاید اولین کسی بود که گسترده‌ترین متن درباره تعریف سبک زندگی را نوشت بر این دیدگاه است که به طور تقریبی، هیچ توافق تجربی یا مفهومی درباره اینکه چه چیزی سازنده سبک زندگی است، وجود ندارد. برخی دیگر نیز بر این باورند که می‌توان از این مفهوم با توجه به بستر مطالعاتی آن، تعاریف متفاوتی ارائه داد که هیچ‌کدام از تعاریف نفی‌کننده دیگر، تعاریف ارائه شده از این مفهوم نیستند. تنها لازم است تا زمینه‌ای را که در آن از این مفهوم استفاده می‌شود، تعریف کرد.

از نظر پارنل سبک زندگی یعنی اینکه یک نفر چگونه زندگی می‌کند که خود این بدین معناست که فرد از چه محصولاتی استفاده می‌کند، شیوه استفاده‌اش از محصولات چگونه است، در مورد آنها چه فکر می‌کند و راجع به آنها چه احساسی دارد. سبک‌های زندگی، بیان برداشت فرد از خویش و ارزش‌های فردی هستند که در انتخاب‌ها و رفتارهای مصرفی افراد انعکاس می‌یابند. سبک‌های زندگی، مظهر یا الگوهای واقعی رفتارهایی هستند که با فعالیت‌ها، علایق و عقاید مصرف‌کننده تبلور می‌یابند. (باینگانی، ایراندوست و احمدی، ۱۳۹۲). به نقل از پارنل^۱ (۲۰۰۶) جامعه‌شناسان کلاسیکی مانند زیمل، مارکس، وبر و بلومر، ابعادی از مفهوم سبک زندگی را مورد توجه قرار داده‌اند، ولی هیچ‌گاه آن را به طور جداگانه و مستقل استفاده نکرده‌اند. رواج استفاده از این مفهوم به سال‌های دهه ۸۰ قرن ۲۰ میلادی برمی‌گردد (دکابی، ۱۳۸۶). در دهه ۱۹۸۰ میلادی سبک زندگی معنایی تازه یافت و به اصطلاحی عامه‌پسند تبدیل شد که بیشترین کاربرد آن در تحقیقات اجتماعی یا پژوهش‌های مرتبط با طبقه‌بندی عملکرد مصرف‌کننده بود.

در کنار مفهوم و اصطلاح سبک زندگی که نزد محققان علوم انسانی و اجتماعی رایج است

در پژوهش‌های دینی نیز اصطلاحاتی برگرفته از کلام قرآن به کار برده می‌شود که می‌تواند معادلی برای مفهوم سبک زندگی باشد. این اصطلاحات عبارتند از: منهاج (رک.، مانده: ۴۸)، سنت (رک.، انفال: ۳۸؛ فاطر: ۴۳) و حیات طیبه (رک.، نحل: ۹۷). مفسران قرآن معانی متعددی برای حیات طیبه ذکر کرده‌اند مانند روزی حلال، قناعت و خشنودی از قسمت الهی (حج: ۶۶۲) و اسوه (رک.، احزاب: ۲۱؛ ممتحنه: ۴ و ۶). در فرهنگ اسلامی، اسوه به معنای پیروی نیک و سودمند است. کاربرد اسوه در قرآن با وصف حسنه و در برخی از روایات بدون وصف حسنه در پیروی از الگوهای شایسته مانند پیامبر ﷺ می‌تواند گواه بر این معنا باشد چنانچه در روایتی از امام حسین علیه السلام نقل شده است: «لی و لکل مسلم برسول الله اُسوه» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۳/۵). محققان مسلمان نیز در تعریف سبک زندگی نظرات مختلفی ارائه داده‌اند؛ از جمله اینکه سبک زندگی، الگوی همگرا (کلیت تام) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌هاست که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها (سلیقه‌ها)ی او در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند. سبک زندگی، الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح است (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶). برخی نیز در تعریف آن از مفهوم دین کمک می‌گیرند و بر اساس رویکرد اسلامی گفته‌اند که سبک زندگی اسلامی عبارت است از: جامه عمل پوشاندن و نحوه اجرای مجموعه دستورات اسلام اعم از احکام و اخلاقیات با توجه به جهان بینی توحیدی و اعتقاد به اصول دین اسلام برای رسیدن به هدف نهایی خلقت انسان در اسلام (عزیمی فرد، ۱۳۹۲).

حجاب در لغت به معنی پرده و حائلی میان دو شیء است که مانع دیده شدن شیء مقابل می‌شود. همچنین به معنای دربانی است که حائل میان افراد داخل و خارج یک عمارت باشد. حجاب در معنی پوشش زنان، اصطلاحی جدید است که جانشین اصطلاح فقهی ستر شده است. حجاب در معنای اخیر، پیش از ظهور اسلام و میان ملل مختلف جهان از جمله در ایران باستان، میان قوم یهود و هندوها وجود داشته است. در بسیاری از تصاویر مذهبی یهودی و مسیحی، زنان روسری یا پوشش بلندی شبیه به چادر دارند. بر اساس پژوهش‌ها از آغاز پیدایش انسان، زن و مرد تلاش کرده‌اند تا پوشش مناسب خود را تهیه کنند. (ضرغامی، ۱۳۸۷) در دانشنامه قرآن آمده است: «معنای مصدری واژه حجاب،



پنهان کردن و منع از وارد شدن و معنای اسمی آن، پرده است» (احمدی و خلیلی، ۱۳۸۹). شهید مطهری می نویسد:

کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنای پرده و حاجب و بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده، وسیله پوشش است. شاید بتوان گفت که برحسب اصل لغت، هر پوششی حجاب نیست. آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن، صورت گیرد. (مطهری، ۱۳۷۲)

۳. شیوه اجرای پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، تحلیلی و اکتشافی است که با به کارگیری ترکیبی از مدل های کمی و کیفی انجام شد. داده های کیفی با پرسش نامه باز، مصاحبه و بررسی اسناد و داده های کمی به صورت عددی و با وزن دهی پرسش نامه های دلفی تهیه شد. در این چارچوب در گام اول، شاخص ها و مؤلفه های تأثیرگذار در حوزه حجاب و پوشش زنان جمع آوری شد. پس از جمع آوری داده ها و شناسایی متغیرهای اولیه در چارچوب مدل دلفی، ده پرسش نامه بین خبرگان علوم قرآنی به عنوان جامعه آماری پژوهش، توزیع شد و از ایشان خواسته شد تا در چارچوب ماتریس اثرات متقاطع به متغیرها بر مبنای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنها با اعدادی در طیف ۰ تا ۳ امتیاز دهند. در این امتیازدهی، عدد صفر به منزله بدون تأثیر، عدد یک به منزله تأثیر ضعیف، عدد دو به منزله تأثیر متوسط و عدد سه به معنای تأثیر زیاد است. سپس امتیازها در ماتریس متقاطع وارد و در چارچوب نرم افزار MICMAC تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر کدام از عوامل و متغیرهای زیرمجموعه آنها با دیگر عوامل سنجیده شد و با مشخص کردن نیروهای پیشران های کلیدی، نمودارهای لازم به عنوان خروجی به دست آمد.

روش ساختاری، روشی است که برای تحلیل روابط بین متغیرها به ویژه در سیستم های گسترده با ابعاد متعدد به کار می رود. پتانسیل این روش در استفاده از داده های کیفی در کنار داده های کمی باعث شده است که این روش به یکی از روش های پرکاربرد در آینده پژوهی تبدیل شود. در این روش، متغیرهای مؤثر بر سیستم در ماتریسی N ضربدر



N قرار می‌گیرند و براساس نظر گروه کارشناسان در قالب اعداد ۰، ۱، ۲، ۳ ارزش‌گذاری می‌شوند. این ماتریس مبنای تحلیل‌های بعدی را تشکیل می‌دهد و خروجی‌های متعددی از این روابط به دست می‌آید. در نهایت، ویژگی متغیرها در محور مختصات مشخص می‌شود و مبنای تحلیل مدیران و برنامه‌ریزان در مراحل بعدی قرار می‌گیرد. نرم‌افزار میک مک از بهترین نرم‌افزارها برای پیاده‌سازی تحلیل ساختاری است. این تکنیک برای محاسبات پیچیده ماتریس متقاطع در تحلیل‌های سیستمی طراحی شده است. خروجی‌های نرم‌افزار به صورت جداول و نمودار می‌تواند کمک بسیاری در درک روابط سیستم و چگونگی عمل آن در آینده باشد. (ربانی، ۱۳۹۱)

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. فرآیند اجرای مدل تحلیل ساختاری متقابل و تحلیل خروجی مدل

جدول ۱

شاخص‌های سبک زندگی اسلامی

امتیاز	شاخص‌ها و متغیرهای سبک زندگی
۱	توحیدمحوری و اعتقاد و باورهای دینی
۲	تقدم حیات اخروی بر حیات دنیوی
۳	نوع نگاه به جهان هستی
۴	اعتقاد به اصل مودت (محبت و عاطفه)
۵	اعتقاد به اصل تسکین و آرامش
۶	اعتدال در همه امور زندگی
۷	رعایت الگوی مصرف (زهد، قناعت، دوری از اسراف و...)
۸	نوع گذران اوقات فراغت
۹	ازدواج آسان و پایدار
۱۰	پذیرش عرف مطابق با شرع
۱۱	آشنایی با زمینه‌های خطرناک (خلوت، گفت‌وگو و...)
۱۲	سلامت جسمی و روحی
۱۳	خانواده مستحکم و موفق
۱۴	تربیت اسلامی
۱۵	انتخاب الگوهای شخصیتی
۱۶	اعتقاد به امنیت و مصونیت
۱۷	آشنایی با ضدا ارزش‌ها
۱۸	روابط و معاشرت
۱۹	دوری از تفریح و مدگرایی
۲۰	ضرورت آموزش و آگاه



با توجه به ادبیات تحقیق به ویژه مفهوم سبک زندگی مبتنی بر قرآن و حدیث و با استفاده از اطلاعات خبرگان، ۲۰ متغیر مهم و تأثیرگذار بر حجاب و پوشش زنان شناسایی شد که در جدول یک به آنها اشاره می شود:

۴-۲. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم متغیرها

جدول ۲

تحلیل اولیه داده های ماتریس

ابعاد ماتریس	تعداد تکرار	تعداد صفرها	تعداد یک	تعداد دو	تعداد سه	جمع	درجه پرشدگی
۲۰	۲	۲۰	۳۰	۱۵۷	۱۹۳	۳۸۰	۹۵

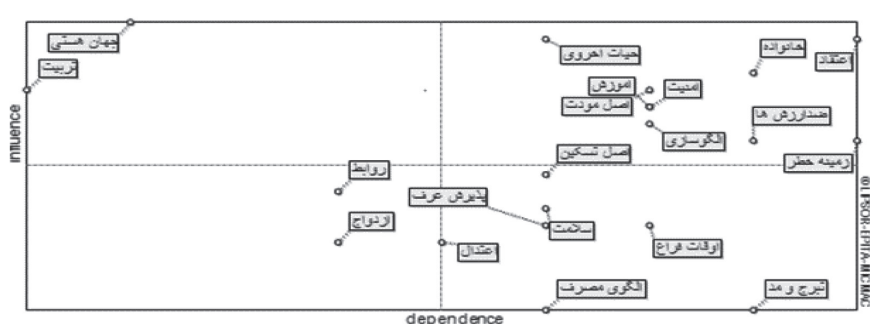
براساس تعداد متغیرها، ابعاد ماتریسی که در نرم افزار میک مک طراحی شد ۲۰ بود. تعداد تکرارها دوبار در نظر گرفته شد. درجه پرشدگی ماتریس بیش از ۹۴٪ و گویای ضریب بالایی است که دلیل آن، تأثیر و ارتباط گسترده متغیرهای تأثیرگذار است. (ر.ک.، جدول ۲)

جدول ۳

درجه مطلوبیت و بهینه شدگی ماتریس

چرخش	تأثیرگذاری	تأثیرپذیری
۱	۰/۰۹۸	۰/۰۹۰
۲	۰/۰۹۹	۰/۰۱۰۰

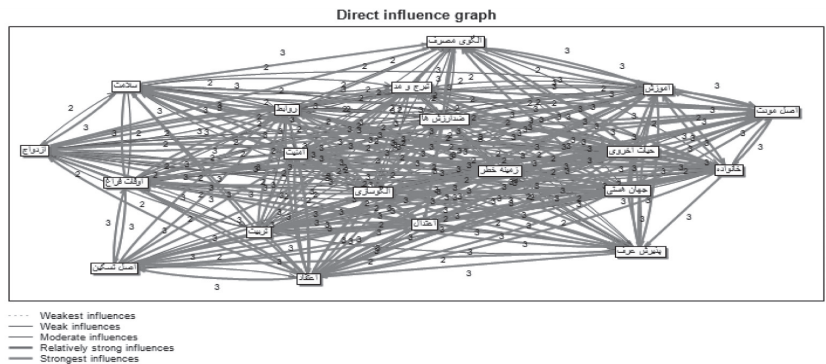
از مجموع رابطه قابل ارزیابی در این ماتریس، ۲۲ رابطه عدد صفر، ۳۹ رابطه عدد یک، ۲۰۱ رابطه عدد دو و ۱۷۹ رابطه عدد سه بوده است. از طرف دیگر، ماتریس براساس شاخص های آماری با دوبار چرخش داده ای، مطلوبیت و بهینه شدگی ۱۰۰٪ داشت. (ر.ک.، جدول ۳)



شکل ۱: طرح تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم متغیرهای سبک زندگی مؤثر بر حجاب و پوشش زنان

در خروجی پروژه در نرم افزار میک مک، عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر مستقیم، دووجهی (تأثیرگذار و تأثیرپذیر) به شرح شکل ۱ است. تحلیل عوامل فوق، گویای این موضوع است که بیشتر شاخص‌های سبک زندگی قرآنی در ارتباط با حجاب و پوشش زنان، هم تأثیرگذارند و هم تأثیرپذیر. براین اساس، می‌توان متغیرهای پژوهش را براساس طرح فوق به شرح زیر برشمرد:

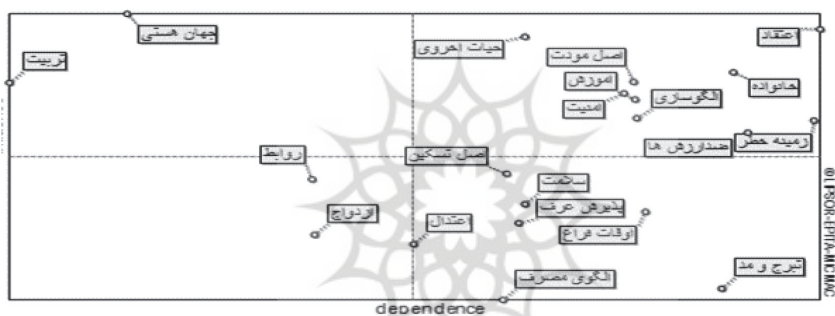
- متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر (دووجهی): شاخص‌هایی مانند توحیدمحوری و اعتقاد به باورهای دینی، تقدم حیات اخروی بر حیات دنیوی، احساس امنیت و مصونیت، ضرورت آموزش و آگاهی درباره اهمیت حجاب، داشتن خانواده مستحکم و سالم، اعتقاد به اصل مودت و محبت و اعتقاد به اصل تسکین و آرامش، از متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر هستند. این متغیرها در سیستم، نقش استراتژیک و هدف دارند که در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها درباره حجاب و پوشش زنان باید مورد توجه خاص قرار گیرند. البته متغیرهای ازدواج ساده و پایدار و پذیرش عرف جامعه براساس شرع هم در مسیر خط راهبردی سیستم قرار دارند و از متغیرهای راهبردی محسوب می‌شوند؛
- متغیرهای تأثیرپذیر: متغیرهایی مانند گذران اوقات فراغت، سلامت جسمی و روحی، اصلاح الگوی مصرف، اعتدال در امور زندگی و مقابله با تبرج و مدگرایی در این سیستم، فقط تأثیرپذیر هستند؛
- متغیرهای اثرگذار: متغیرهای نوع نگاه به جهان هستی و تربیت اسلامی از عوامل فقط تأثیرگذار سیستم هستند.



شکل ۲: نمودار نمایانگر درجه تأثیرات مستقیم متغیرهای تأثیرگذار سبک زندگی بر حجاب و پوشش زنان

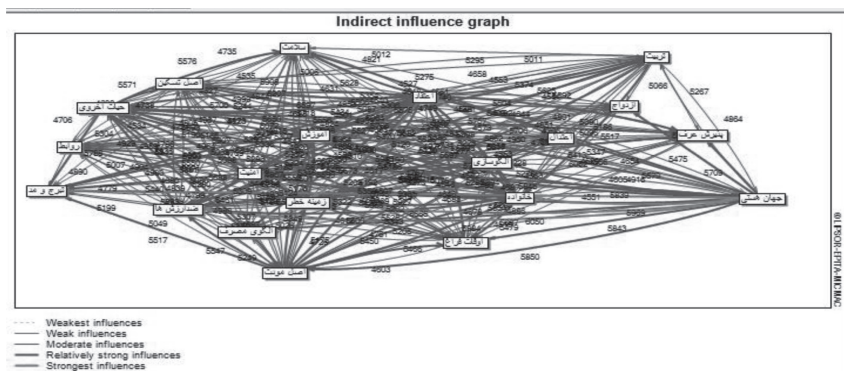
در راستای مباحث مطرح شده و براساس خروجی نرم افزار میک مک، گراف تأثیر متغیرهای سبک زندگی بر مبنای قرآن و حدیث از نظر تأثیرگذاری مستقیم بر حجاب و پوشش زنان در شکل ۲ نشان می دهد که بیشتر روابط برقرار شده در قویترین سطح بوده اند. باید گفت که خطوط قرمز نشان دهنده اثرگذاری شدید متغیرها بر یکدیگر است و خطوط آبی با تفاوت در ضخامت، روابط متوسط تا ضعیف را نشان می دهد که در اینجا تا حدودی مشاهده می شوند.

۳-۴. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری غیرمستقیم متغیرها



شکل ۳: طرح تأثیرگذاری و تأثیرپذیری غیرمستقیم متغیرهای سبک زندگی مؤثر بر حجاب و پوشش زنان

عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر غیرمستقیم، دوجبه‌ای (تأثیرگذار و تأثیرپذیر) در خروجی داده‌ها با استفاده از نرم افزار میک مک به شرح شکل ۳ است که نتیجه آن نشان می دهد که بیشتر متغیرها در دو قسمت تأثیرپذیری و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هم‌زمان جای گرفته‌اند.



شکل ۴: نمودار نمایانگر درجه تأثیرات غیرمستقیم متغیرهای تأثیرگذار سبک زندگی بر حجاب و پوشش زنان

گراف متغیرهای سبک زندگی برمبنای قرآن و حدیث، از نظر تأثیرگذاری غیرمستقیم بر حجاب و پوشش زنان در شکل ۴ نشان می‌دهد که بیشتر روابط برقرار شده متغیرهای سبک زندگی در سطح متوسط بوده‌اند.

۴-۴. بررسی تأثیرات بالقوه مستقیم و غیرمستقیم متغیرها و رتبه‌بندی آنها بر اساس تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در ارتباط با حجاب و پوشش زنان

به جز روابط موجود بین متغیرها، روابطی از نوع بالقوه نیز بین آنها وجود داشت که در تحلیل‌های نهایی برای برنامه‌ریزی می‌توان از آنها استفاده کرد. براساس خروجی پروژه میک‌مک و آنچه که از شکل ۳ و ۴ به دست می‌آید، میزان تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم هریک از متغیرهای سبک زندگی اسلامی در ارتباط با حجاب و پوشش زنان بر اساس رتبه، مشخص شده است.

Rank	Variable	Variable
1	جهان هستی - 3	جهان هستی - 3
2	اعتقاد - 1	اعتقاد - 1
3	حیات اخروی - 2	حیات اخروی - 2
4	خانواده - 13	خانواده - 13
5	اصل مودت - 4	اصل مودت - 4
6	تربیت - 14	تربیت - 14
7	اهنیت - 16	اهنیت - 16
8	آموزش - 20	آموزش - 20
9	الگو سازی - 15	الگو سازی - 15
10	زهینہ خطر - 11	زهینہ خطر - 11
11	ضد لرزش ها - 17	ضد لرزش ها - 17
12	اصل نندسکین - 5	اصل نندسکین - 5
13	روابط - 18	روابط - 18
14	سلامت - 12	سلامت - 12
15	اوقات فراخ - 8	اوقات فراخ - 8
16	بذیرش عرف - 10	بذیرش عرف - 10
17	اعتدال - 6	اعتدال - 6
18	لذواج - 9	لذواج - 9
19	انگوی مصرف - 7	تبرج و مد - 19
20	تبرج و مد - 19	انگوی مصرف - 7

شکل ۵: اولویت بندی متغیرهای سبک زندگی اسلامی تأثیرگذار بر حجاب و پوشش زنان

بر اساس شکل ۵ متغیرهای نوع نگاه زنان به جهان هستی، توحیدمحوری و اعتقاد به باورهای دینی، تقدم حیات اخروی بر حیات دنیوی، خانواده مستحکم و سالم و اعتقاد به اصل قرآنی مودت و محبت، به ترتیب در رتبه اول تا پنجم و با تأثیرگذاری بالقوه مستقیم و

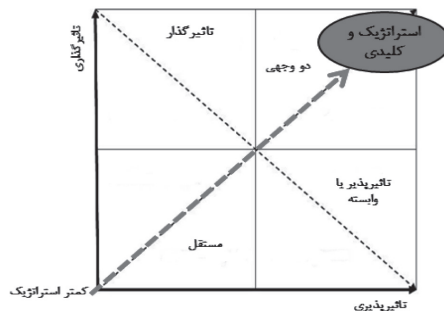
غیرمستقیم بر مقوله حجاب و پوشش زنان و متغیرهایی مانند اعتدال در امور زندگی، تفرج و مدگرایی و ازدواج سالم و پایدار در رتبه‌های آخرو با کم‌ترین تأثیرگذاری بالقوه مستقیم و غیرمستقیم قرار دارند.



شکل ۶: اولویت بندی متغیرهای تأثیرپذیر سبک زندگی اسلامی در ارتباط با حجاب و پوشش زنان

بر اساس شکل ۶، متغیرهای توحیدمحوری، اعتقاد دینی، آشنایی با زمینه‌های خطر ساز، خانواده مستحکم و سالم، بیشترین تأثیرپذیری مستقیم بالقوه را دارند. در بخش تأثیرپذیری غیرمستقیم بالقوه نیز دو شاخص توحیدمحوری و اعتقاد دینی و آشنایی با زمینه‌های خطر ساز و همچنین آشنایی با ضدا رزش‌ها، بیشترین تأثیرپذیری را دارند و در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند.

۴-۵. شناسایی و بررسی متغیرهای راهبردی (استراتژیک)



شکل ۷: موقعیت متغیرهای استراتژیک

متغیرهای استراتژیک یا راهبردی، قابل کنترل و دستکاری هستند و بر پویایی و تغییر سیستم تأثیر می‌گذارند. شاخص‌های ناحیه اول شبکه مختصات، شاخص‌های استراتژیک هستند؛ زیرا هم قابلیت کنترل توسط سیستم مدیریتی را دارند و هم سیستم تأثیرگذاری قابل قبولی دارند. در واقع با نزدیک شدن از انتهای ناحیه سوم به سمت انتهای ناحیه اول شبکه مختصات نزدیک، میزان اهمیت و استراتژیک بودن متغیرها بیشتر می‌شود (رک.، شکل ۷). بنابراین، با توجه به شکل‌های ۱ و ۳ در ماتریس تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم که وضعیتی مشابه ماتریس مستقیم دارد، متغیرهای ازدواج ساده و پایدار، پذیرش عرف براساس شرع، اعتقاد به اصل تسکین، اعتقاد به اصل مودت، الگوسازی از شخصیت‌های نمونه اسلام مانند حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، امنیت و مصونیت، خانواده مستحکم و سالم، توحیدمحوری و اعتقادات دینی و آگاهی از ضدا ارزش‌های اسلامی، به‌عنوان متغیرهای استراتژیک سبک زندگی اسلامی مؤثر بر حجاب و زنان معرفی می‌شوند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

شناسایی و واکاوی عوامل سبک زندگی مؤثر بر حجاب و پوشش زنان بر مبنای آیات قرآن و احادیث، زمینه شناخت لازم و کافی را پیش روی برنامه‌ریزان فرهنگی و محققان قرار می‌دهد تا با اتخاذ تصمیم‌های مبتنی بر واقعیت و معرفی سبک زندگی اسلامی با چالش‌های پیش‌روی حجاب و پوشش زنان در جامعه اسلامی مقابله کنند. مهمترین هدف پژوهش حاضر، تعیین و شناسایی متغیرهای تأثیرگذار سبک زندگی اسلامی بر حجاب و پوشش زنان و رتبه‌بندی آنهاست. برای دستیابی به این هدف و پس از مروری بر مبنای نظری، ۲۰ عامل مرتبط با سبک زندگی براساس قرآن و حدیث با استفاده از نظر خبرگان شناسایی شدند. براساس تعداد متغیرها، ابعاد ماتریسی طراحی شده در نرم‌افزار میک‌مک، ۲۰ بود. تعداد تکرارها، دوبار در نظر گرفته شد و درجه پرشدگی ماتریس ۹۵٪ بود که گویای ضریب بالایی است که دلیل آن، تأثیر و ارتباط گسترده متغیرهای تأثیرگذار است. متغیرهایی مانند توحیدمحوری و اعتقاد به باورهای دینی، تقدم حیات اخروی بر حیات دنیوی، احساس امنیت و مصونیت، ضرورت آموزش و آگاهی درباره اهمیت حجاب، داشتن خانواده مستحکم و سالم، اعتقاد به اصل مودت و محبت و اعتقاد به اصل تسکین





و آرامش، از متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر هستند که در سیستم، نقش استراتژیک و هدف دارند. اینها در برنامه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و پژوهش‌ها درباره سبک زندگی اسلامی و حجاب و پوشش زنان باید مورد توجه خاص قرار گیرند. مسئله حجاب، ریشه‌ای عمیق در مسائل اعتقادی دارد؛ به همین دلیل خداوند آیات حجاب را به زنان باایمان خطاب کرده است و گویا پایه و اساس این دستور را اعتقاد و ایمان به پروردگار می‌داند. حیا و عفاف، هم برای زنان لازم است و هم برای مردان تا از حریم اخلاق گام بیرون نهند، اما به دلیل جاذبه‌های خاص و توانمندی‌هایی که خداوند در زن قرار داده است عنصر حیا و عفاف برای آنها ضرورت بیشتری یافته است. با این وصف، امنیت و آرامش خاطر از آثار حجاب اسلامی است. نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب و عفاف به عنوان یکی از ضرورت‌های باورهای دینی، مستلزم برنامه‌ریزی صحیح در سه حوزه فرد، خانواده و جامعه است.

پیش از برنامه‌ریزی صحیح باید عناصر مفهومی مانند فرد انسانی، خانواده و جامعه را در زمینه فعالیت علمی و فرهنگی به خوبی شناخت و جایگاه هر یک را بررسی کرد، سپس در سه مرحله، نهادینه‌سازی (تعمیق)، گسترش فرهنگ (ترویج) و حفظ و پاسداری از باورهای ترویج‌شده (تحفیظ) با استفاده از ابزار و... برای اجرایی و عملیاتی شدن هر یک از مراحل پیش‌گفته، حرکت جمعی پویایی در نهادهای فرهنگی خصوصی و دولتی نیاز است. اگر این هم‌سویی و هم‌پوشی در سطح فراگیر صورت نگیرد نتیجه مطلوب به دست نمی‌آید و گستره عمل فرهنگی مانند گذشته به گروه و دوره خاصی محدود می‌شود. بنابراین، برای نهادینه‌سازی، گسترش و حفظ فرهنگ عفاف و حجاب باید از همه توانایی‌ها، اختیارات و امکانات موجود در نهادهای کشور بهره‌گرفت. آموزش و پرورش، حوزه‌ها، دانشگاه‌ها، نهادهای اقتصادی و فرهنگی و حتی بهداشتی کشور در رسیدن به هدف مورد نظر نقش بسزایی دارند. البته متغیرهای ازدواج ساده و پایدار و پذیرش عرف جامعه براساس شرع هم در مسیر خط راهبردی سیستم قرار دارد و از متغیرهای راهبردی سبک زندگی اسلامی مؤثر بر حجاب و زنان است.

نتایج و یافته‌های پژوهش درباره ارتباط حجاب با اعتقادات دینی با یافته‌های حمیدی و فرجی (۱۳۸۷) و باقری (۱۳۹۴)، همچنین یافته‌ها درباره وجود آیات و احادیث

در موضوع متغیرهای سبک زندگی و ارتباط آنها با حجاب با یافته‌های حیدری چناری و سیاووشی (۱۳۹۵) همسویی دارد. با توجه به معیارهای سبک زندگی اسلامی، استحکام خانواده در استحکام جامعه نقش مستقیم دارد. بنابراین، حجاب تأثیر مستقیمی در قوام و استحکام پیوند خانوادگی دارد. انسان گرایش‌هایی فطری دارد که میل به پاکی و صفای باطنی نمونه‌ای از آنهاست؛ انسان با تکیه بر حجاب تلاش می‌کند تا چنین میل فطری و توحیدی را در خود شکوفا کند. در دین اسلام، رعایت و حفظ حجاب برای حفظ پاکی و قداست زن و اجتماع مورد توجه خاص قرار گرفته است و به آن به‌عنوان نیازی ضروری نگریسته می‌شود. این تعلق و نیاز به پوشش و استتار بدن، در طول تاریخ بشری و در میان ملل و اقوام مختلف وجود داشته و امری مشهود و بی‌نیاز از تعریف است. حجاب، علاوه بر اینکه زمینه انحرافات اخلاقی را کاهش می‌دهد به زن امنیت، آرامش و مصونیت می‌بخشد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر توجه ویژه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور به پیشران‌های سبک زندگی اسلامی مؤثر بر حجاب و پوشش زنان برای ترویج فرهنگ و سبک زندگی اصیل و سالم لازم است که در این زمینه، توجه آنها به ساماندهی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و سبک‌های مشارکتی و فراغتی جوانان متناسب با فرهنگ اصیل اسلامی ضرورت دارد. تسهیل ازدواج و ارائه راهکارها برای ازدواج ساده، سالم و پایدار مانند اجرای قانون تسهیل ازدواج، برطرف کردن موانع و چالش‌های اقتصادی باید در دستور کار مسئولین قرار گیرد. برای نیل به اهداف مورد نظر در بحث حجاب باید ارتباط بین مقوله‌های حجاب و اعتقادات دینی و نگرش به جهان هستی به تصویر کشیده شود و برای ترویج سبک زندگی اسلامی و ترویج فرهنگ محبت، صمیمیت و آرامش معنوی در زوجین و خانواده‌ها تلاش و اهتمام همه‌جانبه صورت گیرد. اهمیت دادن به مقوله آموزش حول محور حجاب و سبک زندگی قرآنی در قالب فیلم، مجلات و جراید، بروشور و همچنین آگاهی‌بخشی زنان و دختران از نتایج آسیب‌های اجتماعی ناشی از بدحجابی و بی‌حجابی از راه رسانه‌های جمعی و مجازی ضروری است.



فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: انتشارات اسوه.
۱. احمدی، عزت اله،، عدلی پور، صمد،، و میرمحمدتبار دیوکلابی، سیداحمد (۱۳۹۳). نهاد خانواده، سبک زندگی و گرایش به حجاب. نشریه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۳(۱۱)، ۷-۴۷.
 ۲. باقری، شهلا (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سبک زندگی و دین‌داری زنان دانشجوی دانشگاه خوارزمی. نشریه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، ۲(۳)، ۸-۱۷.
 ۳. باینگانی، بهمن،، ایراندوست، سید فهیم،، و احمدی، سینا (۱۳۹۲). سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی؛ مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی. نشریه مهندسی فرهنگی، ۷۷، ۵۶-۷۴.
 ۴. جیمز، ویلیام (۱۳۵۶). دین و روان. مترجم: قائنی، مهدی. تهران: نشر کتاب.
 ۵. حمیدی، نفیسه،، و فرجی، مهدی (۱۳۸۷). سبک زندگی و پوشش زنان در تهران. نشریه تحقیقات فرهنگی، ۱(۱)، ۶۵-۹۲.
 ۶. حیدری چناری، یوسف،، و سیاوشی، ناهید (۱۳۹۵). جایگاه عفاف در سبک زندگی اسلامی. همایش علمی-پژوهشی سبک زندگی. تهران.
 ۷. خواجه‌نوری، بیژن،، روحانی، علی،، و هاشمی، سمیه (۱۳۹۱). گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی. نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، ۴۷(۲۳)، ۱۴۱-۱۶۶.
 ۸. خوش‌فر، غلامرضا،، باقری، فاطمه،، برزگر، سمیه،، و نورمحمدی، لیلا (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب و راهکارهای ارتقای آن؛ مطالعه موردی شهروندان شهر گرگان. نشریه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۴(۳)، ۴۷-۷۳.
 ۹. ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶). فرهنگ مطالعات جوانان. تهران: انتشارات آگه.
 ۱۰. ربانی، طاها (۱۳۹۱). روش تحلیل ساختاری، ابزاری برای شناخت و تحلیل متغیرهای مؤثر بر آینده موضوعات شهری. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی آینده‌پژوهی. تهران.
 ۱۱. زرغامی، آناهیتا (۱۳۸۷). حجاب زن ایرانی در بستر تاریخ. نشریه بانوان شیعه، ۱۵، ۱۱۵-۱۳۶.
 ۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۱۳. عزیمی فرد، فاطمه (۱۳۹۲). خانواده و سبک زندگی. نشریه پیوند، ۴۰۱، ۲۰-۲۱.
 ۱۴. علوی، سید حمید رضا،، و حجتی، رضیه (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان. نشریه تربیت اسلامی، ۴(۲)، ۶۳-۸۸.
 ۱۵. کافی، مجید (۱۳۹۷). سبک زندگی در پرتو قرآن. نشریه علمی سبک زندگی، ۷(۴)، ۹-۲۹.
 ۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام. بیروت: مؤسسه الوفاء.
 ۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). مجموعه آثار. تهران: صدا.
 ۱۸. معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین (یک جلدی). تهران: انتشارات معین.
 ۱۹. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۶). دین و سبک زندگی: مطالعه موردی شرکت‌کنندگان یکی از جلسات مذهبی. تهران: دانشگاه امام صادق علیهم السلام.
 ۲۰. میرساردو، طاهره (۱۳۷۹). فرهنگ جامع جامعه‌شناسی: انگلیسی. فارسی. تهران: انتشارات سروش.
21. Parnell, J. (2006). Strategy through the Eyes of the Consumer: An Exploratory Study across Emerging Economies. *Universidad de Talca, Chile*, 24(33), 50-64.